

موانع توبه



سخنرانی حضرت آیت الله مصباح یزدی

اشاره

آنچه پیش رو دارید گزیده‌ای از سخنان حضرت آیه الله مصباح یزدی (دامت برکاته) در دفتر مقام معظم رهبری است که در تاریخ ۸۶/۶/۲۵ ایراد فرموده‌اند.

* * *

برای اینکه انسان انگیزه قوی‌ای برای توبه پیدا کند، باید از یک طرف درباره زینهای گناه فکر کند و از طرف دیگر، بداند همه این خسارتها و زینها با «توبه» جبران می‌شود و در این میان، عقل انسان اقتضا می‌کند که فرصت را غنیمت شمارد و زودتر اقدام نماید؛ اما گاهی انسان با اینکه علم به ضرر چیزی

دارد، باز اراده ترک آن را پیدا نمی‌کند. یک دسته از عواملی که موجب این امر می‌شود، یک سلسله وسوسه‌های شیطانی است که موجب ایجاد شبهه‌ها و تسویلهایی برای انسان می‌شود و نمی‌گذارد که دانسته‌های اثرگذار باشد. عامل دیگر، ضعف اراده است که سبب سستی انسان می‌شود. در این جلسه به اندازه‌ای که خدای متعال توفیق بدهد به شبهاتی که موجب وسوسه شیطان می‌شود، اشاره می‌گردد و همچنین راه‌های جبران ضعف اراده نیز بیان می‌شود.

به لذتش می‌ارزد!

یکی از شبهاتی که باعث می‌شود علم و یقینی که آدمی برای ضرر دارد کارایی نداشته باشد، این است که آنچه در انسان قبل از اینکه رشد و تکامل انسانی پیدا کند، بیشتر تأثیر دارد، حسیّات است؛ از اینرو، اگر یک نفع آنی و یک نفع بزرگ‌تری اما با فاصله، برایمان میسر باشد، لذت آنی را ترجیح می‌دهیم. این اصل، طبیعت آدمی‌زاد است و تا تکامل عقلانی و تربیت دینی صحیح پیدا نکند، کم و بیش تحت تأثیر این عامل باقی می‌ماند؛ ولی گاهی شیطان علاوه بر این طبیعت انسانی، شبهاتی را هم به انسان القاء می‌کند. برای مثال می‌گوید: کارگر برای چند دقیقه استراحت، از صبح تا شب زحمت می‌کشد، عرق می‌ریزد و دردها را تحمل می‌کند؛ پس چون آن استراحت در مقابل آن زحمتهای طولانی می‌ارزد، این لذت گناه هم در مقابل عذابهای آن، ارزش دارد. این وسوسه شیطان است. ایمان انسان ضعیف است که نمی‌داند آن زیان بی‌نهایتی که بر گناه مترتب می‌شود،

چه نسبتی با این لذت محدود دارد.

باید گفت: بعد از تلاشهای روزانه، لذتی که از غذا خوردن می‌برید چقدر است؟ آیا بیشتر از نیم ساعت است؟ چطور حاضرید هشت ساعت زحمت بکشید تا نیم ساعت لذت ببرید؛ ولی حاضر نیستید سختی گذشت از لذت مادی را به خاطر یک لذت طولانی تحمل کنید؟ آن هم لذتی که با لذتهای دنیوی قابل مقایسه نیست. برای علاج این شبهه، انسان باید درباره اهمیت نعمتهای اخروی و شدت عذابهای اخروی بیشتر مطالعه کند و ببیند آیا لذتها و عذابهای دنیا و آخرت با هم قابل مقایسه هستند؟!

خدا عادل است

شیطان از راه دیگری نیز وارد می‌شود. او می‌گوید: خدا عادل است. خداوند برای لذتی که در مدت نیم ساعت استفاده کردم، هزاران سال که عذاب نمی‌کند! این که عدالت نیست! حتی نیم ساعت لذت بردن با یک روز عذاب کشیدن قابل تحمل است؛ اما این را نمی‌شود باور کرد که به خاطر یک لذت آنی، خدا سالها و شاید

که کبریت می‌زند. ظلمی از طرف خدا نیست. خدا به انسان چشم سالم عطا کرده، چاقو هم داده است. به او هم گفته زن، نابینا می‌شوی! تأکید هم می‌کند؛ ولی او گوش نمی‌دهد. به هر حال این هم یک شبهه شیطانی است. انسان وقتی لذت گناه و شیرینی آن را چشید، با این بهانه‌ها حاضر نیست گناه را ترک کند.

حتی گاهی محبت اهل بیت علیهم‌السلام و اعتقاد به خداوند مورد سوء استفاده واقع می‌شود و وسیله‌ای برای وسوسه شیطان را فراهم می‌کند. شیطان به انسان می‌گوید: نگران نباش! تو اکنون لذت ببرد! بعد با یک روز عاشورا و یک روزه، مشکل حل خواهد شد. امام حسین علیه‌السلام شفاعت می‌کند و همه گناهانت آمرزیده می‌شود؛ اما اینکه شفاعت چیست، چه شرایطی دارد و شامل چه کسانی می‌شود، بحث مفصلی دارد که به اجمال به آن می‌پردازیم.

شفاعت اهل بیت علیهم‌السلام، برزخ یا

قیامت؟

در بسیاری از روایات اهل

بی‌نهایت، انسان را عذاب کند.

پاسخ این شبهه را در مسائل عقلی، کلامی و فلسفی گفته‌اند. فرض کنید: انسان خرمنی را که تمام سال برای آن زحمت کشیده است، با یک کبریت آتش بزند و سپس به کبریت بگوید: من یک لحظه تو را روشن کردم، تو هم باید یک خوشه گندم یا یک دسته از این خوشه‌ها را در آتش بسوزانی! آثاری که بر گناه مترتب می‌شود، آثاری است که بر عمل خود ما مترتب می‌شود. همچنین فرض کنید که انسان در یک لحظه، به چشم خود چاقو بزند. برای این عمل مثلاً یک دقیقه وقت صرف می‌کند؛ اما برای همیشه نابینا می‌شود. آن نابینایی همیشگی، بر اثر عملی است که خود انسان انجام می‌دهد. گناه هم نسبت به آثاری که بر آن مترتب می‌شود، چنین رابطه‌ای دارد.

خداوند در برابر یک عمل کوچک، بی‌نهایت ثواب می‌دهد؛ اما وقتی هم انسان خرمن اعمال خویش را آتش بزند، همه‌اش می‌سوزد. مسئول این سوختن، خود انسان است

بعد از شهادت امیر المؤمنین علیه السلام برای ایشان گریه کرد. مگر هر گریه‌ای اثر می‌کند؟ همه این ثوابهایی که در روایات، زیارتها و عزاداریها آمده، همه‌اش صحیح است؛ اما باید شرایطش رعایت شود. وقتی شرایط مصرف دارو رعایت نشود، هر چه از خواص درمانی آن بگویند سودی ندارد. گریه کردن برای حضرت سید الشهداء علیه السلام می‌تواند نتایجی داشته باشد؛ اما به شرطها و شروطها. این طور نیست که فاسق‌ترین و شقی‌ترین افراد با گریه بر حضرت سید الشهداء علیه السلام، آمرزیده شوند. و گرنه، آفرینش عالم به شوخی شبیه‌تر می‌شود.

آری، نباید در آثار عظیم داشتن ولایت اهل بیت علیهم السلام و محبت آنها شک کرد؛ اما شرط آن رانیز باید در نظر داشت. حدیث معروف و معتبری از حضرت رضا علیه السلام نقل شده است که فرمود: «كَلِمَةٌ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حِضْنِي فَمَنْ دَخَلَ حِضْنِي آمِنٌ مِنْ عَذَابِي؛^۱ کسی که وارد حصن «لا اله الا الله» بشود دیگر هیچ عذابی به او نمی‌رسد و کاملاً ایمن از عذاب خواهد بود.» اما سپس فرمود:

بیت علیهم السلام آمده است که کسانی که مرتکب بعضی از گناهان گردند، از شفاعت ما محروم می‌شوند. به علاوه ائمه اطهار علیهم السلام فرموده‌اند که برای عالم برزختان، خودتان باید فکر کنید، شفاعتها برای روز قیامت است. عمده روایات شفاعت که در باب شفاعت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام و شفاعت حضرت زهرا علیها السلام موجود است، برای روز قیامت است؛ اما آیا می‌دانید که از وقت مرگ تا قیامت چقدر فاصله هست و در این مدت، انسان ممکن است چه عذابهایی تحمل کند؟! در روایات آمده کسی که به زیارت حضرت امام رضا علیه السلام برود، آن حضرت شب اول قبر به بازدیدش می‌آیند؛ اما همان لحظه‌ای که ایشان برای بازدید می‌آیند، لذت دارد؛ ولی معلوم نیست نتیجه‌اش تا چه وقت ادامه داشته باشد.

به هر حال، آثار گناهی که یک عمر انسان مرتکب شده، با یک چیز ساده‌ای محو نمی‌شود. این‌گونه نیست که خدای متعال جنایات یک عمر کسی را با یک قطره اشک چشمی از بین ببرد. گفته‌اند: عمر سعد هم روز عاشورا گریه کرد. معاویه هم

۱. بحار الانوار، ج ۴۹، ص ۱۲۳، باب ۱۱، ح ۴.

شده است، باز هم برخی همت توبه کردن ندارند. این یک عاملی روانی است که در مقابل آن عاملهای شناختی مطرح می‌شود. گاهی برای انسان شبهه‌هایی پیش می‌آید که حقیقت را نمی‌شناسد و معرفت صحیح ندارد؛ بنابراین، باید یاد بگیرد تا معرفت صحیح پیدا کند.

اراده و اختیار

اما اعمال اختیاری ما فقط ناشی از شناخت نیست. دو عامل است که باید دست به دست هم بدهند تا یک کار اختیاری از آدم سر بزنند. در اینجا عامل دوم را به اجمال اشاره می‌کنیم. ما این عامل را «اراده» می‌خوانیم. انسان باید بخواهد و اراده قوی‌ای داشته باشد که اگر چیزی را تشخیص داد، عمل کند؛ اما اینکه چه عواملی سبب تضعیف اراده می‌شود، داستانش مفصل است. همه می‌دانیم سحرخیزی خوب است. برای بیدار شدن، ساعت هم کوک می‌کنیم؛ ولی وقتی زنگ می‌زند، برای بیدار شدن تعلل می‌کنیم، تا آنجا که وقتی بیدار می‌شویم، می‌بینیم نزدیک آفتاب است و گاهی سحر را هم از دست داده‌ایم. چه چیز موجب این می‌شود؟

«بَشْرُظَهَا (بِشْرُوطِهَا) وَأَنَا مِنْ شُرُوطِهَا.» کلمه «لا اله الا الله» می‌تواند انسان را از عذاب نجات دهد؛ اما شرط دارد. یکی از شروطش هم ولایت ائمه علیهم‌السلام است. این حصن، انسان را محافظت می‌کند؛ اما به شرط اینکه آن حصن را سوراخ نکنی و شرایطش را رعایت کنی. آب آتش را خاموش می‌کند؛ اما به شرط اینکه آن آب خودش روی آتش آن قدر نماند که بخار بشود و دیگر خاصیت خاموش کردنش را از دست بدهد.

راه علاج شبهات

به هر حال، این موارد از شبهاتی است که باعث می‌شود کسانی برگناه جری شوند و توبه نکنند. راه حل آن هم این است که انسان پاسخ اینها را بیاموزد تا بتواند شبهه‌های شیطانی را دفع کند. بهترین راه برای علاج این شبهات شیطانی، یادگیری صحیح معارف است. پاسخ شبهات و بالاخره علم مربوطش را باید آموخت.

[البته] اگر انسان توانست از دام این شبهه‌های شیطانی رها شود و باور کرد که یک گناه، اگر چه کوچک، ضررهای عظیمی برای سعادت انسان دارد، باز باید مراقب باشد. با اینکه بسیاری از شبهه‌ها هم رفع

بلایی عالم‌گیر

عاملی که امروزه بلایی عالم‌گیر محسوب می‌شود، فیلم و اینترنت است که شبانه‌روز وقت جوانها و نوجوانها را می‌گیرد و آنها را از همه چیز غافل می‌کند. با اینکه شبهات رفع شده و هیچ ابهامی نیست؛ اما باز هم می‌بینیم بعضی فیلمهای آنچنانی را نگاه می‌کنند تا آنجا که اگر شبی فیلم دلخواه خود را تماشا نکنند خوابشان نمی‌برد و همانند یک معتادی می‌شوند که تریاک یا هرروئینش نرسیده است. روانشناسان غربی نیز به چنین خطری پی برده‌اند و بیمارستانهایی برای معتادان به فیلم و اینترنت ساخته‌اند!

هیجان، غلبه هوی

هر مقدار هم که انسان ثواب یک چیزی را بداند یا از آثار گناهی آگاهی داشته باشد؛ باز وقتی چشمش افتاد و جاذبه آن را دید، معلوم نیست چه می‌شود. مخصوصاً وقتی که آن انسان، جوان باشد. در اینجا دیگر با اقامه برهان نمی‌توان جلوی ارتکاب گناه را گرفت. فرض کنید وقتی انسان از مسئله‌ای عصبانی است، اگر در یک جایی بی‌دلیل به او فحش بدهند و بی‌احترامی کنند، او در این میان هیجان زده

می‌شود، دیگر نمی‌تواند خود را کنترل کند و یک وقتی به خود می‌آید، می‌بیند هزار حرف بی‌جا گفته و چه بسا کسی را کتک زده است. علت چیست؟ غلبه یک هیجان است. وقتی یک هیجان بر انسان غالب می‌شود، عقل انسان دیگر کار نمی‌کند. «إِلَهِي عَقْلِي مَغْلُوبٌ وَهَوَائِي غَالِبٌ؛ خدایا عقل من شکست خورده و هوای نفسانیم پیروز و غالب است.» وقتی هیجانات نفسانی غالب می‌شود، دیگر جایی برای فکر کردن و توسل به حکم عقل و شرع باقی نمی‌گذارد.

جلوگیری از هیجان

ما اگر بخواهیم از شر هیجانات در امان باشیم، باید از پیدایش هیجان و از چیزهایی که موجب تقویت این هیجان و احساسات می‌شود جلوگیری کنیم. وگرنه مثل انسانی می‌مانیم که در یک سرایشی شروع به دویدن می‌کند و وقتی خوب سرعت گرفت، دیگر اختیار از دستش می‌رود و نمی‌تواند جلویش را بگیرد. وقتی هیجانات در انسان قوی شد، نمی‌شود جلویش را گرفت. باید سعی کرد از اول شرایطی به وجود نیاید که آن هیجانات تحریک و تقویت شود؛ یعنی اگر

دعوت به گناه نکنند. جوانها باید وقتی به رختخواب بروند که خسته باشند و کارهایشان را انجام داده باشند، تا اینکه حتی المقدور راه شیطان را بر خودشان مسدود کنند. وگرنه، تا این راههای شیاطین از دیدنیها، شنیدنیها، شوخیها، معاشرتها، فیلمها و نوارها باز هست، محافظت از خود، کار آسانی نیست. اگر انسان بخواهد از این گناهان در امان بماند، باید راه‌هایش را از اول مسدود کند. از محیط گناه، از اشخاصی که دعوت به گناه می‌کنند و از چیزهایی که برای انسان هیجان ایجاد می‌کند، دور شود.

اصلاح در پرتو انس با خدا

در مقابل هم باید یک عوامل تقویتی باشد؛ یعنی با رفیقان خوب معاشرت کند، قرآن و حدیث مطالعه کند، کتاب اخلاقی بخواند، در جلسات موعظه و دعا بنشیند و ادعیه و مناجات بخواند. آن وقت می‌تواند تصمیمی بگیرد که خود را اصلاح کند. از جمله چیزهایی که به انسان کمک می‌کند برای اینکه در این راه موفق باشد، این است که با دعاها و مناجاتهایی از قبیل مناجات تائبین انس پیدا کند.

ما بخواهیم توبه کنیم، اول باید تصمیم بگیریم فیلمی را که سبب هیجان است تماشا نکنیم. وقتی فیلم را تماشا کرد و هیجان پیدا شد، دیگر نمی‌شود جلوی آثارش را گرفت.

رفیق ناشایست

برای نجات از این سلسله گناهان و فسادهای اخلاقی، ابتدا باید با رفیقهای ناشایست قطع رابطه کرد. وگرنه تار فیک بد باشد، خواه ناخواه انسان را به زشتی فرا می‌خواند. اینجا است که انسان احتیاج دارد با کسانی که در این زمینه‌ها تجربه‌ای دارند، مرئی هستند و مسائل روانشناسی و اخلاقی را می‌دانند، مشورت کند.

اگر انسان بخواهد با هر کس که دلش می‌خواهد معاشرت کند، آرام آرام از دست می‌رود. اگر انسانی می‌خواهد توبه کند، باید با رفیقهای ناشایست رابطه‌اش را قطع کند. فیلمهای نامناسبی که در خانه دارد دور بریزد. باید برنامه‌ای عقلایی داشته باشد. باید در کنار کارهای سالمی چون درس خواندن، کار کردن، اداره رفتن و تحقیق کردن، برای اوقات فراغت خود برنامه‌ریزی کند. تفریح و گردش برود؛ اما با کسانی که اهل گناه نباشند و انسان را